مقدمه ۲: عقود≠ حقیقت شرعیه

گمان نمی کنم کسی بگوید عقود شرعی است. نماز حقیقت شرعیه دارد، اما بیع و اجاره و قرض واین ها حقیقت شرعیه ندارند. این ها همان الفاظ است که عرف عام دارند و شارع امضا فرموده ای در بعض موارد حکم خاص شرعی را برای آن ها بیان فرموده است وچون حقیقت متشرعه ندارد الفاظی هم که به کار برده است ، این طور نبوده که شارع بیایی توضیح بدهد.«**احل الله البیع و حرّم الربا**[1]». آیه ی قرآن، بیع را به فهم عرف واگذار کرده.«**من ذا الذی یقرض الله قرضا حسنا**[2]» «**ای ابت استأجره ان خیرمن استئجرت القوی الامین**[3]» «**استأجر**» یعنی چه؟ یعنی همین که عرف می فهمد. در عقد، امر غیر عرفی که حقیقت شرعیه باشد سراغ ندارید، حتی وقف. وقف هم یک امر عرفی است. وصایا،حتی نذر؛ نذر صبغه ی شرعی دارد اما مفهومش به عنوان یک اقاع عرفی است.

تعریف معاملات در لسان شارع

بنای شارع برتعریف این عناصر عرفی نبوده است. در مورد نماز الان اگر بروید در وسائل نگاه کنید، اولین باب، باب «توصیف الصلاة و ابوابه» است[4].امام فرموده است بیا نماز بخوان ببینم. بعد فرموده اند 60 سالت است و نمیتوانی؟! خود حضرت پاشدند[5]. به اینها می گویند ادله تعلیمیّه. گفته اند این طور نماز بخوان. چرا؟ چون نماز مال شرع است. شارع هم خودش یاد می دهد. اما یک جا داریم که بگویند بیع این است، اجاره این است و تعریف کنند؟ نمی شود بگوییم نیست، اما بنا این نبوده است .شیوه و سیره شارع براین نبوده که الفاظ عرفی را برایش از ناحیه خودش تعریفی ارائه بدهد. اگر بود خوب بود. متشرعه این اندازه می دانند که بنای شارع بر تعریف نیست. اما این که به صورت جزمی به شارع نسبت بدهیم که نیست، این خیلی زود است. خیلی کمکاری کرده ایم .علما ی بزرگ ما خیلی کارها کرده اند که ما نه تنها پیش نبرده ایم بلکه از زحمات آن ها هم متأسفانه استفاده نکرده‌ایم؛ لذا نمی شود بگوییم نیست[6].

---

[1] سورة البقرة، آیه ۲۷۶

[2] سورة البقرة، آیه ۲۴۵

[3] سورة القصص، آیه ۲۶

[4] مرحوم صاحب وسائل، پس از بیان مقدمات نماز از قبیل اوقات و مکان و قبله و... به بیان «ابواب افعال الصلاة» می‌پردازد. اولین باب از این مجموعه باب کیفیتها و جمله من احکامها و آدابها است: وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۴۵۹- ۴۷۳

[5] 7077- 1-محمد بن علي بن الحسين بإسناده عن حماد بن عيسى أنه قال: قال لي أبو عبد الله ع يوما تحسن أن تصلي اي حماد قال قلت اي سيدي أنا أحفظ كتاب حريز في الصلاة- قال فقال ع علي قم صل قال فقمت بين يديه متوجها إلى القبلة فاستفتحت الصلاة و ركعت و سجدت فقال ع اي حماد ال تحسن أن تصلي ام أقبح بالرجل أن يأتي عليه ستون سنة أو سبعون سنة فما يقيم صلاة واحدة بحدودها تامة قال حماد- فأصابني في نفسي الذل فقلت جعلت فداك فعلمني الصلاة فقام أبو عبد الله ع مستقبل القبلة منتصبا فأرسل يديه جميعا على فخذيه قد ضم أصابعه و قرب بين قدميه حتى كان بينهما ثلاثة أصابع مفرجات و استقبل بأصابع رجليه جميعا لم يحرفهما عن القبلة بخشوع و استكانة فقال الله أكبر ثم قرأ الحمد بترتيل و قل هو الله أحد- ثم صبر هنيئة بقدر ما تنفس و هو قائم ثم قال الله أكبر و هو قائم ثم ركع و ملأ كفيه من ركبتيه مفرجات و در ركبتيه إلى خلفه حتى استوى ظهره حتى لو صب عليه قطرة ماء أو دهن لم تزل لاستواء ظهره و تردد ركبتيه إلى خلفه و نصب عنقه و غمض عينيه ثم سبح ثلاثا بترتيل و قال سبحان ربي العظيم و بحمده- ثم استوى قائما فلما استمكن من القيام قال سمع الله لمن حمده- ثم كبر و هو قائم و رفع يديه حيال وجهه و سجد و وضع يديه إلى الأرض قبل ركبتيه فقال سبحان ربي الأعلى و بحمده ثلاث مرات و لم يضع شيئا من بدنه على شيء منه و سجد على ثمانية أعظم الجبهة و الكفين و عيني الركبتين و أنامل إبهامي الرجلين و الأنف فهذه السبعة فرض و وضع الأنف على الأرض سنة و هو الإرغام ثم رفع رأسه من السجود فلما استوى جالسا قال الله أكبر- ثم قعد على جانبه الأيسر و وضع ظاهر قدمه اليمنى على باطن قدمه اليسرى و قال أستغفر الله ربي و أتوب إليه- ثم كبر و هو جالس و سجد الثانية و قال كما قال في الأولى و لم يستعن بشيء من بدنه على شيء منه في ركوع و سجود و كان مجنحا و لم يضع ذراعيه على الأرض فصلى ركعتين على هذا ثم قال اي حماد هكذا صل و ال تلتفت و ال تعبث بيديك و أصابعك و ال تبزق عن يمينك و ال يسارك و بين يديك.

و رواه في المجالس عن أبيه عن علي بن إبراهيم عن أبيه عن حماد بن عيسى إلا أنه قال و سجد و ترك قوله و الأنف (وسائل الشيعة ؛ ج5 ؛ ص459-۴۶۰)

[6] در ادامه مباحث به تعریف شارع از نکاح متعه به عنوان یکی از مصادیق تعریف معاملات اشاره خواهد شد.

بازبینی #1
ایجاد شده 11 سپتامبر 2025 14:29:57 توسط ... .
به روزرسانی شده 11 سپتامبر 2025 14:30:26 توسط ... .